

بِسْمِ

دلایل هفتگانه

محقق: ع.هدک

۱ - سخنان در برابر یوشع بن نون علیه السلام

سخنان یک هندویهودک بود و براک جلوگیری از حقیقت و پذیرش خداک یکتا،

بتے را در اریحا ساخت که داراک قدرت جادویے بود، با زبانے از طلا، رداک

گرانقیمتے که روک آن پهن شده بود، و هدایایے از نقره پیش روک آن بود. او با

تبلیغ پنهانے براک این بت، سے و شش مرد عادل اسرائیل را که اعضاک دادگاه

عالی بودند، در مقابل شهر عاک کشت و با ادعاک نبوت و خدایک، و ترور

علماک دین مشغول عهدشکنک شد و ازدواج با اعضاک خانواده را حلال کرد و

متوسل به شرک و جادو شد و بواسطه آن گناهان بزرگ، مشمول قهر الهک شد.

و همچنین همهک بنک اسرائیل علیرغم بک اطلاعک از گناهان او، مشمول قهر

الهک شدند و در جنگ همواره شکست مک خوردند و هر چه مک کوشیدند

نمک توانستند به عاک ورود پیدا کنند^۱ تا اینکه حضرت یوشع بن نون علیه السلام، از طریق

دوازده سنگ گرانبهاک سینه بند کاهن اعظم متوجه شد مقصر کیست و عخان

^۱. سفر یوشع، اصعاع ۷، آیات ۱:۲۶

گناهکار را با مجازات سنگسار به سزای اعمال کثیف رساند و اجرا این

مجازات، به منزله کلید تصرف سرزمین عام بود.^۲

۲- مانے در برابر شمعون صفا

پس از اینکه شمعون صفا، جانشین مسیح، عَلَيْهِ السَّلَام پس از دو مسیحی دیگر وارد

انطاکیه شد و پادشاه و کل کشور انطاکیه به مسیحیت گرویدند. فرقه هندویهود از

ترس پیشرفت مسیحیت تصمیم گرفتند یک دین جعلی تحت عنوان مانویت

تأسیس کنند. بنابراین مانے کتابی با عنوان انجیل زنده مے نویسد و مے گوید

انجیل قبلے منسوخ شده. مانے ادعا مے کند منظور از واژه فارقلیط که در

انجیل آمده، یعنی پیامبر آخرالزمان، خودش است! مانے حلال خدا را حرام و

^۲ سفر یوسف، اصحاح ۸، آیه ۲۹: ۱

حرام خدا رو حلال مے کند و از هندوان بودایے براک ساخت دین بدعت آمیز

کمک مے گیرد و دین جعلے او توسط یہود مخفے، آنقدر تبلیغ مے شود کہ تا

ایتالیا و بالکان و... خیلے از راهبان از وک طرفدارک مے کنند.^{۴۳}

بعد از انتشار خرافات مانے، شکستہاک مسیحیان شروع مے گردد، شمعون

صفا و یحیے علیہ السلام به شہادت مے رسند و طرفداران مسیح دچار اختلاف

مے شوند.^{۴۵} در فرقہ بہائیت اکثر عقاید مانویت تکرار شدہ است تا براک توحید

اسلامے ایجاد مانع کند. غصب فلسطین توسط یہود، بلافاصلہ بعد از تدفین

^{۴۳} ج. ۳ آسوس - اصول و عقاید و اعتقادات دیانت زرتشتی - ترجمہ فریدوخ و ہمن

مگنو ویدخ گرنج - دینہا ایران باستان - ترجمہ منوچہر فرہنگ

^{۴۵} کاتر تور کرستیج - سنج - ایران در زمان ساسانیان - صفحہ ۲۹۰ و ۲۴۱ و ۴۵۶

^{۴۶} نولدک - تاریخ ایرانیا و عربہا در زمان ساسانیان - صفحہ ۲۱۲ و ۴۷۹

خداک جعلے بھائیت اتفاق افتاد (شہرہاک پتخ تیکوا بجاک شہر ملبس و

ریشون لصھیون بجاک شہر عیون قرہ مورد اشغال قرار گرفتند) و بنابراین، نابود

کردن جرثومہ بھائیت منتج بہ آزادک قدس شریف خواهد بود.

۳ - احب و ایزابل در برابر الیاس

پادشاہے بہ نام احب بود کہ در اول خداک حقیقے را مےپرستید اما دینش

توسط زنش ایزابل دچار تغییر شد و بہ پرستش بتھایک با نام بعل و اشہرہ مایل

شد.^۷ و براک احیایک ایدہ عخان، او بہ ہیئل بیتلے اجازہ داد تا اریحا را بازسازک

کند، حتے شامل لعنت خداوند باشد.^۸ در انجیل نیز احب بہ دلیل بازسازک

^۷ ہول یاردک ہانگ ۱۶-۲۹-۲۳

^۸ ہول یاردک ہانگ ۱۶:۲۴

شهر اریحا، مشتمل بر نفرین یوشع بن نون علیه السلام است: «لعنت بر هرکس که آن را

بسازد،»^۹ و احب پس از شهرکسازک در مناطق در شمال و با استحکام بخشیدن

به اریحا، راه بین مرکز پادشاهی و دشت موآب را متصل کرد احب «روزهاک

زیادک بر موآب ستم کردند».

احب به پیشنهاد ایزابل (همسرش) همهک مخالفان، پیامبران و علماک دین را

کشت. و هندویهودیسم را جایگزین یهود کرد.^{۱۰ ۱۱}

الیاس نبی علیه السلام، دعا فرمود تا مشرکان سه سال دچار قحط شوند و سپس فرمود

که مکبایست ایمان بیاورند و به یگانگک حق اقرار کنند اما احب و پیروان او

مکناهاک بسیار لو در لول یاریهاک، ۱۶-۱۹-۹ شرح راره شده است.

^{۱۰} لول یاریهاک ۱۶-۱۸۳

الکتاب لول یاریهاک، فصل ۲۱، آیات ۲۸-۲۹

راضی نشدند که از انحراف برگردند. الیاس علیه السلام گفت: «اگر میخواهید که بطلان و

حقیقت دین من و شما هویدا گردد بیائید تا من خدا را بخوانم و شما بتان

خود را». احب چهارصد پیامبر دروغین که فرقه هندو بهودیان را تبلیغ می کردند

در کوه کرمل جمع کرد. از طرفی، مفسران آنها را به عنوان پیامبران تبلیغ کننده

برای پرستش بعل و اشاره معرفی کرده اند^{۱۲} ^{۱۳} و قتی دعا پیامبران دروغین

مستجاب نشد، الیاس علیه السلام دعا کرد و دعایش مستجاب شد؛ اما پیروان فرقه ضاله باز

هم ایمان نیاوردند تا اینکه احب هنگام لشکرکشی به سوریه به سزا اعمالش

^{۱۲} براسمات رامباخ، رادک و لبرینال

^{۱۳} براسمات رامباخ، رادک و لبرینال، ۱۸-۲۰

رسید و هلاک شد و سگ ها (یا ترکیبی از سگ و خوک) خون او را لیسیدند و این

علت "حکم نجس" براگ سگ و خوک در احکام الهی است.^{۱۴}

براک شما واجب است که بدانید: همان هندویهودیان براگ علیمحمد شیرازگ

درکوه کرمل، (محل عروج الیاس علیه السلام) مقبره‌ای بنا کردند تا براگ پیام توحیدگ

اسلام مانع ایجاد کنند و سپس قبله مسلمانان را توسط فرقه‌ای که اسلام را منسوخ

معرفی می‌کنند در حیفا قرار دادند. به همین منظور در بهائیت به پیروان این

فرقه ضاله، احباب گفته می‌شود (چون هر یک از آنها باید گناهان احب و ایزابل

را تکرار کنند) و بالاخره در موزه *Hecht* در حیفا (قبله بهائیت)، یک حلقه مهر

آهنی با مهر "احب، پادشاه اسرائیل" به نمایش گذاشته شده است.

^{۱۴} تا مومنین با دور راز نجاست مراقبت کنند فرقه هندویهودی باخ ترویج نشود.

۴- هندویهودیان و جنگ با طالوت

هندویهودیان دین خدا را تغییر دادند و از فرمان پروردگارشان سرپیچه کردند و در

میان آنان پیامبر بود که به آنان امر و نهی کرد، اما از او اطاعت نکردند. نتیجه

مدنظر هندویهودیان تکرار شد و خداوند جالوت را که قبطی بود، بر آنها مسلط

کرد، غصب بزرگ آغاز شد.^{۱۵}

انحراف از دین، باعث ترس از جهاد در راه خدا شده بود و هنگامیکه طالوت به

یارانش گفت جز کف دست از آب ننوشید، جز ۳۱۳ نفر، همه از دستور او

سرپیچه کردند و از مبارزه دست برداشتند. اما کمتر بودن یارک دهندگان خداوند

باعث شکست آنها نشد و بالاخره داوود پیامبر علیه السلام، وقتی نیت خود را احقاق حق

و دفاع از دین خداوند یکتا قرار داد؛ تنها با پرتاب سنگی، موفق شد جالوت را که

بسیار درشت و قدرتمند به نظر می‌رسید، به هلاکت برساند.

۵- هندویهودیان و جادو علیه سلیمان و آصف برخیا عليهما السلام

آصف برخیا عليه السلام، کسی بود که به علوم الهی آشنا بود. علوم الهی بسیار بالاتر و

توانمندتر از جادوگرک و اعمال شیطانیه هستند و سلیمان عليه السلام برای اثبات

حقانیت این موضوع، جهت انتقال تخت بالقیس، از آصف برخیا عليه السلام کمک

گرفت و پیشنهاد عفریت را رد کرد.

هندویهودیان که از این حقیقت بسیار خشمگین شدند و توطئه‌هاک تازه‌اک

ساختند تا با ایجاد مانع در برابر قدرتهاک الهی، بازهم به جادوگرک قدرت بدهند

و طبق رفتارهای شیطانے، کتابے با موضوع سحر و جادو نوشتند و در پشت آن

کتاب نوشتند: «این کتابے است که وضع کرده است آصف پسر برخیا براے پادشاه

خود سلیمان پسر داود از ذخیره‌های گنج‌های علم»!!!، و در آن کتاب دین حق

را تغییر دادند و نسخه اصلی را زیر تخت سلیمان دفن کردند و نوشتند هر که فلان

کار خواهد بکند باید مرتکب فلان سحر شود.^{۱۶} و براے ترویج هندویهودیت، تبلیغ

مے کردند: «غلبه سلیمان بر ما به سبب سحرهایے بود که در این کتاب نوشته

است»، و خداوند در قرآن کریم این موضوع اشاره کرده است: «و ما کفر سلیمان و

لكن الشياطين كفروا يعلمون الناس السحر»^{١٧} پس آصف آن جادو را باطل کرد و

بخت نصر بر یهود عنود مسلط شد.^{١٨}

با پیدایش بهائیت، یک جادوگر هندو یهودی، ابتدا مسلمان و سپس بهائے

مے شود و اقدام به چله نشینے مے کند تا براے ملك الموكلين آیه ٣٠ و ٣١

سوره نمل و آیه ١١١ سوره طه [از اسرار سلیمان (ع) و آصف بن برخیا] مانع

ایجاد کند.

آیا این مانع به غضب فلسطین توسط یهودیان کم مے کرد؟ بله صد در صد!

اصل معنے پرچم اسرائیل هم همین است: «اے عفریت! جلو مے حقایقے

^{١٧} سوره بقره: ١٥٢

^{١٨} صیات القلوب، ص ٢٧٦

سليمان و آصف برخيا گرفته شد و جادوك شرك بهائيت، توانايي نصر و پيروزك

را از مسلمانان گرفت.»

مے بينيد كه به قول معروف: همه ك اين آتش ها از گور بت ها ك بهائيت بلند

مے شود.

اما نقطه قوت ما مسلمان ها نسبت به يهود اين است كه برا ك آنها روشنگر ك ها ك

توحيد ك توسط پيامبران انجام مے شد و ك ما مسلمانان خود با تحقيق و

پژوهش مے توانيم راه حق و نصر را پيدا كنيم.^{۱۹}

۶-فتنه عليه اسلام در خيبر

جبرئیل از طرف خداوند کمر بندگ بهشته به سلیمان عَلَيْهِ السَّلَام داد و گفت: «اے

سلیمان خدا بر شما سلام مے گوید و بعد مے گوید کہ این کمر را از بهشت

فرستادم کہ سلیمان بر میان بندد و خلقت مرا مشاهده کند. سلیمان بعد از بستن

کمر بند صاحب منطق الطیر شد. وقتے لحظه مرگ سلیمان رسید، حضرت

جبرئیل فرود آمد و گفت: این کمر را از براگ محمد رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بگذار تا این

هدیه مکرمه به او برسد. سلیمان به آصف بن برخیا عَلَيْهِ السَّلَام وصیت کرد این کمر را

نگاہ دار تا به دست صاحبش برسد. آصف عَلَيْهِ السَّلَام کمر بند را در کوه پنهان کرد. ۱۲۵۰

سال گذشت و محمد رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مبعوث شد. یکے از فرزندان اکوانه

سملاخیل (نام جنے بود) کمر را برداشت تا به پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بدهد؛ بین راه یکے دیورا

دید که به خوشحالی میگفت: در مکه جوانی خروج کرده است محمد ﷺ نام،

دعوی پیغمبر می کند. امروز بر در کعبه بودم، بر افلوق که بت اهل قریش

بود، وارد شدم و گفتم: اقتلوا محمداً ﷺ. اهل قریش حالا می باید که محمد ﷺ

را کشته باشند! وقتی سمالخیل این سخن را شنید او را هلاک کرد به نزد رسول

خدا ﷺ آمد و واقعه را بیان کرد و کمر را به خدمت حضرت رسالت ﷺ گذارد و

حضرت رسول کمر بر میان بستند.^{۲۰} همزمان با این اتفاقات، «کعب بن اشرف» و

گروهی از جادوگران یهود برای هم پیمانگی با مشرکان قریش بر بت آنان (افلوق)

سجده کردند.^{۲۱} و به همین دلیل است که خداوند در آیه ۸۲ سوره مائده مشرکان

را با (واو) به یهود عطف می کند که نشان از نوعی تبعیت دارد. یهود محور

^{۲۰} هسان

^{۲۱} مصبح البیان، ج ۳ - ۴، ص ۹۳

اصلی است و دشمنی مشرکان تبعی است. آنها کوشیدند جلوک پیام توحیدک

اسلام را بگیرند و با شیطان همصدا باشند. همان شیطان که در پیمان عقبه فریاد

زد: اے گروه قریش و عرب! این محمد ﷺ است که مے خواهد با اہالے یثرب

براک جنگک با شما قرارداد ببندد! این شد که مشرکان به آنجا حمله کردند.^{۲۲} و

پیامبر اسلام ﷺ از این فتنہها مطلع بوده است. به دستور اسلام جلوک کاروان

قریش را گرفته شد تا آنها از گرایش به آن بت شیطانے هندویہودیت صرف نظر

کنند. اما مشرکان از در جنگک وارد شدند و شمشیرہاک مسلمین ہمہک آنها را

کشت.

یهودیان بعد از شکست‌هاک متعدد، در خیبر کمین کردند و شمال مدینه را ناامن

ساختند تا مانع از گسترش اسلام شده، نقشه‌اک براک حمله به مدینه طرح‌ریزک

کنند.^{۲۳} قلعه‌ک خیبر نیز در قلّه کوه ساخته شده بود و دیوارهاک بلندک داشت و

در زیر آن خندقے کنده شده بود و عبور از آن ناممکن به نظر مے رسید. پس از

تلاش فراوان و نافرجام سایر مسلمانان براک دستیابے به قلعه، پیامبر اسلام ﷺ

پرچم نبرد را به دست علی بن ابے طالب ﷺ مے سپارد تا پیروزک را براک

اسلام به ارمغان بیاورد. علی ﷺ درب بزرگ قلعه را با یک حرکت از جا درآورد و

آن را سپر قرار داد و پیش رفت^{۲۴} آن‌گاه درب خیبر را مانند پلے بر روک خندق

^{۲۳} ابوالقدرک ع، ج ۱، ص ۵۶۴

^{۲۴} ابیح هشام، ج ۲، ص ۴۳۵

انداخت تا لشکر اسلام از آن عبور کرده و وارد خيبر شوند و اين درزمره بالاترين

قدرت توحيد بود.^{۲۵}

۷- بتكده بهائيت بايد شكسته شود

جاد و كه هندويهوديان از طريق افشاك حقيقت باطل مے شود ، هر

سخنرانے با موضوع بهائيت حته با كمتريں شنونده مفيد است. هنگامے كه

دهانها باز شوند و برعليه بهائيت نكتةا ك بگويند دستان هندويهوديان شكسته

مے شود و اسلام به آزادك مے رسد و مسيح عليه السلام ظهور مے كند و اتحاد معجزهك

اوست همچنان كه اتحاد قطرات باران نوح را نجات داد، اتحاد شعلهها در تبديل

شدن به گل آتش نمرود را براك ابراهيم عليه السلام سرد و سلامت كرد، اتحاد امواج رود

نیل فرعون را از بین برد و اتحاد ابابیل اصحاب فیل را سرنگون کرد و همه

آن‌ها آموزه‌ای بودند تا انسان‌ها برای نجات حقیقت برعلیه ظلم و ستم با

یکدیگر متحد شوند.

